

بررسی تطبیقی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه

دکتر مجید بزرگمهری*

چکیده: مطالعه حقوقی نظام های انتخاباتی مختلف و بررسی تطبیقی آنها، همواره زمینه ساز بهینه سازی مقررات و قوانین مرتبط با انتخابات در ادبیات حقوق اساسی کشورها است.

بررسی تطبیقی دو نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری پنجم فرانسه می تواند در شناخت بهتر نقاط ضعف و قوت هر دو نظام بسیار مفید باشد.

با عنایت به وجود وجوه افتراق کم و بیش زیاد در موضوع شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در دو نظام انتخابات ریاست جمهوری ایران و فرانسه، برآن شدیم تا موضوع مذکور به صورت تفصیلی در مقررات و قوانین دو کشور مطالعه تطبیقی گردد و بدین سان نقاط قوت و ضعف هریک تا حدودی آشکار گردد.

در ابتدا شرایط رای دهندگان در دو نظام انتخاباتی مطالعه شده و سپس شرایط واجدین شرایط نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری ارزیابی تطبیقی شده است.

در موضوع شرایط انتخاب کنندگان به نظر می رسد نظام انتخاباتی ایران تمایل به افزایش جمعیت شرکت کننده در انتخابات داشته است و احتمالاً این امر را از عوامل ثبات و پایداری نظام دانسته است.

در نظام حقوقی فرانسه، بجای متغیر تعداد شرکت کنندگان، کیفیت مشارکت افراد و توانمندی ذهنی و اجتماعی رای دهنده بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

در نظام انتخاباتی ایران حصول پاره ای از شرایط کمی و کیفی قابل ملاحظه برای احراز صلاحیت یک نامزد ریاست جمهوری ضروری است ولی در نظام انتخاباتی فرانسه، شرایط انتخاب شوندگان کمی است و از شروط کیفی پرهیز شده است.

کلید واژه: انتخابات. ریاست جمهوری. ایران. فرانسه

*- استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

مقدمه:

مطالعه حقوقی نظام های انتخاباتی مختلف و بررسی تطبیقی آنها، همواره زمینه ساز بهینه سازی مقررات و قوانین مرتبط با انتخابات در ادبیات حقوق اساسی کشورها است. کشور فرانسه از زمان پیروزی انقلاب ۱۷۸۹ م تاکنون رژیم های انتخاباتی متعدد و متنوعی را تجربه کرده است و نظام انتخاباتی جمهوری پنجم، حاصل این تجربیات پرفراز و نشیب است. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از پیروزی انقلاب خود در ۱۳۵۷ ه.ش (۱۹۷۹ م) با تکیه بر قانون اساسی و قوانین عادی خود، نظام انتخاباتی خاصی را در ساختار حقوق اساسی خود ترسیم ساخته است.

بررسی تطبیقی این دو نظام انتخاباتی می تواند در شناخت بهتر نقاط ضعف و قوت هر دو نظام بسیار مفید باشد زیرا که همگان اذعان دارند استفاده از تجربیات سایر ملل از جمله اقدامات ضروری برای بهبود قوانین تلقی می شود و قسمت ب بند ۶ اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز استفاده از تجربیات بشریت را از جمله مبانی نظام دانسته است.

با عنایت به وجود وجوه افتراق کم و بیش زیاد در موضوع شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در دو نظام انتخابات ریاست جمهوری ایران و فرانسه، برآن شدیم تا موضوع مذکور به صورت تفصیلی در مقررات و قوانین دو کشور مطالعه تطبیقی گردد و بدین سان نقاط قوت و ضعف هریک تا حدودی آشکار شود.

شرایط انتخاب کنندگان

ایران

در نظام انتخاباتی ایران براساس ماده ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری (مصوب ۱۳۶۴/۴/۵) سه شرط برای رای دهندگان لحاظ شده است:

۱. برخورداری از تابعیت ایران، ۲. ورود به سن ۱۶ سالگی (اتمام ۱۵ سال شمسی) ۳. عدم جنون.
- با عنایت به عام بودن قید تابعیت در ماده قانونی به نظر می رسد کلیه اشخاص که تابعیت ایران را در روز انتخابات دارند اعم از اصلی، اکتسابی و یا تبعی حق شرکت در انتخابات و رای دادن را می یابند.

اجرای این حق با توجه به شرط رایه شناسنامه در روز اخذ رای در مواردی مشکل ساز است، زیرا که در حالت تابعیت اکتسابی (بند هفتم ماده ۹۷۶ قانون مدنی)، ممکن است بین زمان صدور سند

تابعیت فرد و صدور شناسنامه فاصله باشد و یا در حالت تابعیت تبعی (بند ۶ ماده ۹۷۶ و ماده ۹۸۴ قانون مدنی) باز بین زمان حصول تابعیت ایرانی برای زوجه خارجی و یا فرزند صغیر خارجی با سن بین ۱۵ تا ۱۸ تا صدور شناسنامه فاصله باشد و در نتیجه یک تبعه ایرانی امکان استفاده از حق رای را نمی یابد.

در ارتباط با شرط سنی ۱۵ سال شمسی تمام، به نظر می رسد نظام حقوقی ایران، پایان قطعی ۱۵ سالگی و ورود به ۱۶ سالگی را معیار اهلیت سیاسی اناث و ذکور برای شرکت در انتخابات دانسته است. در این رابطه علت پیش بینی ۱۵ سالگی به عنوان معیار اهلیت سیاسی مشخص نیست چون از لحاظ مقررات شرعی، سن اهلیت عقد نکاح در اناث ۹ سال قمری و در ذکور ۱۵ سال قمری است. از زاویه اهلیت استیفا، ۱۸ سال شمسی برای ذکور و اناث و اهلیت تقاضای ورود به تابعیت ایران، ۱۸ سال شمسی (بند ۱ ماده ۹۷۹ قانون مدنی) و اهلیت تقاضا برای خروج از تابعیت ۲۵ سال شمسی (بند ۱ ماده ۹۸۵ قانون مدنی) معتبر می باشد، لذا مشخص نیست پیش بینی ۱۵ سال شمسی مبتنی بر چه معیاری و یا ارزیابی علمی است.

شرط سوم یعنی عدم جنون به صورت کلی ذکر شده است و قیودی مانند ادواری یا دایمی ندارد، لذا حمل بر این می شود که فردی که دارای جنون به مفهوم عرفی آن است حق رای دادن ندارد. در این رابطه شایان ذکر است که احراز وضعیت جنون و یا عدم آن همواره برای مقام های اجرایی و نظارتی انتخابات مسیله ساز است زیرا که ممکن است فرد مجنون در مدت کوتاه حضور در شعبه اخذ رای، تبادر به حرکات و اعمال حاکی از جنون ننماید و از آنجا که موضوع محجوریت از باب جنون در شناسنامه اشخاص قید نمی شود لذا فقط در شرایطی که فرد مجنون حالات دیوانه وار را در زمان حضور در شعبه از خود بروز دهد، امکان ممانعت از رای دادن او وجود دارد.

فرانسه

در فرانسه براساس ماده ۳ قانون اساسی، اتباع فرانسوی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده اند و از حقوق سیاسی و مدنی برخوردارند حق شرکت در انتخابات را دارا می باشند. همانطور که ماده فوق اشعار می دارد. نظام انتخابات فرانسه همگانی است و کلیه شهروندان فرانسوی بدون لحاظ جنسیت، مذهب، رنگ پوست، نژاد و طبقه اجتماعی حق شرکت در انتخابات را دارند ولی حداقل سن لازم، ۱۸ سال قید شده است. ذکر حداقل سن در متن قانون اساسی، حاکی از توجه خاص قانونگذار به این متغیر است.

در خصوص شرط تابعیت فرانسوی از آنجا که واژه اتباع فرانسوی پسوند و یا مقید به صفت اصلی نشده است، کلیه فرانسویان که دارای تابعیت اصلی، اکتسابی و تبعی هستند از حق شرکت در انتخابات برخوردارند. ماده ۲۲ قانون مدنی فرانسه اعلام داشته است که هر فردی که تابعیت فرانسوی را کسب کند از روز کسب تابعیت از کلیه حقوق این تابعیت برخوردار می شود.^۱

با توجه به پیش بینی نظام فهرست رای دهندگان در شعب اخذ رای (*Liste électorale*) مشکل شرکت در انتخابات برای افرادی که تابعیت فرانسوی را به صورت اکتسابی و یا تبعی اخذ کرده اند بر طرف شده است زیرا که یک نسخه از سند صدور تابعیت و یا تصویر سند ازدواج یک مرد فرانسوی با یک زن خارجی به موسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی (مرجع تدوین سالانه فهرست اسامی رای دهندگان) ارسال می شود و در سایر موارد نیز خود متقاضی حق دارد ظرف یک هفته پیش از انتخابات با مراجعه به کمیسیون اداری انتخابات در شهرداری و یا فرمانداری با ارایه اسناد مثبت تابعیت نام خود را در فهرست مزبور ثبت کند.^۲ البته در روز برگزاری انتخابات فقط با حکم قاضی، نام فرد جدیدی در فهرست انتخاباتی ثبت می شود. قاضی تا روز قبل از انتخابات به کلیه درخواست ها رسیدگی می کند.^۳

براساس مفاد ماده ۳ قانون اساسی، کسانی که از حقوق سیاسی و مدنی برخوردارند حق شرکت در انتخابات را دارند.

ماده ۵ قانون انتخابات اعلام می دارد که افراد بالغی که تحت قیمومت دیگران هستند مانند مجانین، حق ثبت نام در فهرست های انتخاباتی برای حضور در شعبه اخذ رای را ندارند.^۴ تصویر حکم محجوریت افراد بالغ به مرجع تدوین فهرست اسامی انتخاب کنندگان ارسال می شود و لذا اسامی محجوران در فهرست مزبور درج نمی شود.

ضمناً براساس همین ماده، اشخاصی که به حکم قاضی به علت پاره ای از تخلفات حقوقی و جرایم کیفری از حق شرکت در انتخابات محروم هستند، نمی توانند در فهرست انتخاباتی ثبت نام شوند. این افراد عبارتند از: ۱. محکومان جنایی ۲. اشخاص محکوم به حبس غیر تعلیقی و یا حبس تعلیقی بالاتر از یک ماه با جزای نقدی و یا بدون آن به علل جرایمی مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت

^۱- Art. L. 32 . Code civil . (L.No.83 – 1046 du 8 déc . 1983)

^۲- Art. L. 11 du Code électoral (L. No . 75 – 1329 du 31 déc. 1975)

^۳- Art . L. 34 du Code électoral .

^۴- Art . L . 5 du Code électoral . (L. No.92 – 1336 du 16 déc. 1992)

در امانت، اختلاس، شهادت دروغ، تهیه گواهی های جعلی، فساد و سوء استفاده از موقعیت شغلی، هتک اخلاق و عادات معتبر، جعل در مکاتبه های شخصی، تجارتنی و یا بانکی.

۳. اشخاص محکوم به سه ماه حبس غیر تعلیقی و یا حبس بالای ۶ ماه تعلیقی به علل جرایم انتخاباتی شامل ارایه مشخصات جعلی و یا پنهان کاری در ثبت نام فهرست انتخاباتی، تقلب در صدور گواهی برای ثبت نام در فهرست، شرکت غیر مجاز در انتخابات قبلی، جعل امضاء سایر افراد در فهرست انتخاباتی پس از رای دادن.

۴. اشخاص محکوم به حکم ورشکستگی (ورشکسته به تقصیر) و یا اشخاص که براساس حکم قاضی خارجی محکوم به ورشکستگی شده و از سوی قاضی فرانسوی حکم آن تایید شده است.^۵ البته قانون انتخابات دو مورد رافع از ثبت نام در فهرست انتخاباتی نمی داند، یکی محکومیت حاصل از جنحه که ناشی از بی احتیاطی بوده، و تعمدی در آن ملاحظه نشود، البته مشروط به عدم فرار مجرم، دوم محکومیت صاحبان شرکت های تجاری که در تخلف سوء نیت نداشته اند و صرفاً به جزای نقدی محکوم شده اند.^۶

البته محرومیت مجموعه افراد فوق الذکر دایمی نیست و فقط محدود به دوره محکومیت می باشد. ضمن اینکه براساس آیین نامه قضایی سال ۱۹۹۴ در مجموعه جرایم فوق الذکر به شرط قید صریح محرومیت از حق رای در حکم صادره از سوی قاضی، این محرومیت حاصل می شود.^۷

فلسفه پیش بینی محرومیت از حق رای برای پاره ای از جرایم کیفری بر این فرضیه استوار است که فرد مجرم با عمل مجرمانه خود در واقع آگاهانه اقدامی بر ضد نظم اجتماعی و حقوقی مجموعه اعضای جامعه مرتکب شده است که در نتیجه صلاحیت مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه را در مدت محکومیت از دست می دهد.

در این رابطه به نظر می رسد پیش بینی محرومیت از حق رای برای مجموعه محکومان به جرایم و یا موارد فوق الذکر با توجه به تنوع جرایم، چندان سازگار با فلسفه حاکمیت مردم نباشد، زیرا که به طور مثال فرد محکوم به ورشکستگی اگر چه مجبور در تصرفات مالی می گردد ولی از حق شرکت در انتخابات نیز محروم می شود و این با اصل حاکمیت مردمی که از مفروضه های دموکراسی است سازگاری ندارد.

^۵- L . No 85 – 1407 du 30 déc . 1985 . art . 83

^۶- Art . L . 8 du Code électoral (L . No. 66 – 538 du 24 Juill . 1966)

^۷- Circulaire (Note crim . 94 – 01 du 21 Fevrier 1994) .

پیش بینی مجازات محرومیت از حق رای برای افرادی که عملیات متقلبانه در انتخابات قبلی داشته اند منطقی به نظر می رسد زیرا که خاطی در مسیر تحقق اصل حاکمیت مردم تعمداً ایجاد خلل کرده است ولی چرا باید سارقی که ممکن است به قصد تامین معاش مرتکب بزه شده باشد از حق مشارکت سیاسی در جامعه نیز محروم شود.

شرایط انتخاب شوندگان

ایران

در ارتباط با داوطلبان مقام ریاست جمهوری در ایران، اصل ۱۱۵ قانون اساسی، شرایط لازم احراز برای صلاحیت نامزدی ریاست جمهوری را قید کرده است. " رییس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد.

ایرانی اصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور."

برپایه این اصل، شرایط لازم برای احراز صلاحیت نامزدی موارد ذیل است:

- ۱- مذکر بودن با توجه به واژه رجال.
- ۲- سرشناس بودن و برخورداری از اشتهار عمومی با توجه به مفهوم مجازی واژه رجال.^۸
- ۳- برخورداری از اطلاعات و معلومات مذهبی در سطح کافی و تشریح به احکام مذهبی با توجه به قید رجال مذهبی.
- ۴- برخورداری از تجربه کاری در امور سیاسی و یا آشنایی کافی با دانش سیاست براساس قید سیاسی.

۵. ایرانی الاصل بودن. در تبیین کامل صفت ایرانی الاصل با پرسش های روبرو هستیم. آیا منظور همان مفهوم تابعیت اصلی در برابر تابعیت اکتسابی و تبعی است؟ بدین معنی که منظور قانونگذار افرادی است که صفت ایرانی بودن را در چارچوب مقررات تابعیت به صورت اصلی و نه اکتسابی و تبعی کسب کرده اند که در این صورت اشخاصی که حداقل از بدو تولد (بدون ورود به مناقشه حقوقی در زمینه بدو تولد و یا زمان انعقاد نطفه) از طریق سیستم خون و یا خاک در چارچوب مقررات

^۸- نجفی، اسناد، مرتضی فرید محسنی؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۲

تابعیت در ایران بندهای ۲، ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی واجد تابعیت ایرانی شده اند، باید ایرانی الاصل تلقی شوند.

البته این احتمال وجود دارد که منظور از ایرانی الاصل، تابعیت اصلی به مفهوم فوق نیست زیرا که قانونگذار می توانست از واژه صریحتر " تابعیت اصلی " استفاده کند و قید بعدی " تابع ایران " را ذکر نکند. لذا احتمالاً منظور قانونگذار اشخاصی است که از جانب پدر ایرانی، صفت ایرانی بودن را کسب کنند و پدر خود نیز، واجد تابعیت ایرانی به صورت اصلی و نه اکتسابی بوده باشد.^۹

بر پایه این استدلال، زادگاه فرد در ایرانی الاصل بودن موثر نیست و چنانچه فردی از پدر ایرانی که تابعیت ایرانی اش به صورت اصل است و نه اکتسابی هر چند که در خارج از ایران متولد شده باشد، ایرانی الاصل خواهد بود.

البته اساساً واژه ایرانی الاصل دارای وضوح کامل در سابقه ادبیات حقوقی ایران نیست. در گذشته در متن قانون اساسی مشروطیت دوبار این واژه بکار رفته که ابهامات مذکور نیز در مورد آنها وجود داشت. یکی ایرانی الاصل بودن مادر ولایت عهد و دیگری اصل ۵۸ که به ایرانی الاصل بودن وزیر دلالت داشت. لذا ممکن است منظور از ایرانی الاصل فردی است که پدرش ایرانی با تابعیت اصلی، مادرش ایرانی با تابعیت اصلی، زادگاهش در ایران است و یا فرض شقوق دیگر از ترکیب این متغیرها و حذف مواردی از آنها.

۶. دارای توانمندی لازم جهت اداره کشور و توانایی مدیریت و تدبیر کافی در امور که به نظر می رسد منظور قانونگذار وجود سوابق موفقیت در مشاغل مدیریتی قبلی نامزد است.

۷. حسن شهرت در گذشته در احد اشتهار به حسن سابقه

۸. برخورداری از صفت اجتماعی و اخلاقی امانت و امین بودن تا بتواند امانتی که ملت نزد وی به ودیعه می گذارد حراست کند.

۹. برخورداری از صفت تقوا به معنی پرهیز کاری و ترس از خداوند باری تعالی

۱۰. دارای ایمان و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران که مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران در اصل دوم و اصل پنجم قانون اساسی تشریح شده است.

۱۱. شیعه اثنا عشری بودن نامزد با توجه به قید ضرورت ایمان و اعتقاد به مذهب رسمی کشور.

پیش بینی یازده ویژگی فردی برای رییس جمهور قطعاً عامل تقویت توانمندی های فرد رییس جمهور است لیکن باید توجه داشت که به استثنای سه ویژگی مذکور، ایرانی الاصل و شیعه بودن، سایر

۹- هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ج ۲، نشر دادگستر - قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۴ - ص ۳۳۳.

ویژگی‌ها ماهیت کیفی دارند و حصول قطعیت در وجود یا عدم آنها و یا میزان لازم از هریک برای مقامات اجرایی و نظارتی ابهام آفرین است. آیا واقعاً تعریف جامع الاطراف و یا مانع الاغیاری از مفاهیم رجل سیاسی، رجل مذهبی، مدیر، امین، متقی و غیره قابل ارایه است که بتوان فرد واجد آنها را از دیگران متمایز ساخت.

البته شورای نگهبان به عنوان مرجع تشخیص صلاحیت نامزدها در مقامی است که می‌تواند در مقام قضاوت قرار گیرد ولی مبنای قضاوت اعضای این شورا نیز مورد پرسش است.

ترکیب اعضای شورای نگهبان (فقها و حقوقدانان) برای تشخیص صلاحیت مذهبی و مسایلی حقوقی فرد مناسب است ولی آیا واقعاً این ترکیب اعضا می‌تواند از زوایای دیگر به صورت تخصصی شناخت کافی از وضعیت نامزدها کسب کند.

با عنایت به گسترش حوزه دانش سیاست به امور داخلی و جهانی و گسترش دانش مدیریت آیا شورای نگهبان می‌تواند چارچوب مشخصی را برای رجل سیاسی و مدیر و مدبر ترسیم سازد. چنانچه فردی با آداب دیپلماسی جهان آشنا نباشد و از سر خامی و بی تجربگی، منافع ملی کشور را قربانی کند و یا فردی که روش‌های ابتدایی مدیریت را در مدیریت کشور بکار می‌گیرد، آیا صلاحیت نامزدی ریاست جمهوری را دارد و آیا شورای نگهبان با ترکیب فعلی اش می‌تواند میزان توانمندی نامزدها را در این موضوعات ارزیابی کند؟

فرانسه

در نظام انتخاباتی فرانسه، شرایط انتخاب شوندگان کمی است و از شروط کیفی پرهیز شده است. وجود چهار شرط برای صدور اعلامیه نامزدی ضروری است.

۱. حداقل سن ۲۳ سال تمام شمسی^{۱۱}
۲. تابعیت فرانسوی: بر پایه این قاعده هر شهروند فرانسوی که در زمان صدور اعلامیه نامزدی واجد تابعیت فرانسوی باشد اعم از اصلی، اکتسابی و تبعی صلاحیت نامزدی را دارد. فقط در ارتباط با تابعی که تابعیت فرانسوی را به صورت تبعی به طور مثال از باب عقد نکاح زن خارجی با مرد فرانسوی، کسب کرده‌اند و ممکن است در خلال دوره ریاست جمهوری به واسطه فسخ این عقد از تابعیت فرانسوی خارج شوند، محدودیت‌های لحاظ شده است و در غیر این صورت هر شهروند

^{۱۱}- شیخ الاسلامی، محسن، حقوق اساسی تطبیقی، نشر شیراز، ص ۱۰۲.

فرانسوی در صورتی که در زمان صدور اعلامیه نامزدی واجد تابعیت فرانسوی باشد صلاحیت نامزدی را می یابد.

۳. برخورداری از حق رای در زمان انتخابات، لذا اشخاصی که در زمان انتخابات به علت محکومیت های قضایی و یا محجوریت از حق رای محروم هستند و نام آنها در فهرست انتخاباتی رای دهندگان درج نشده است، صلاحیت نامزدی ندارند.

۴. کسب معرفی نامه از سوی حداقل ۵۰۰ شهروند فرانسوی که واجد وضعیت نمایندگی منتخب (mandate électif) باشند. بدین ترتیب اشخاص معرفی باید پیشاپیش خود در یک انتخابات رسمی شامل انتخابات پارلمانی (مجمع ملی و یا سنا)، شهرداری ها، شورای مناطق و یا شورای اقتصادی و اجتماعی در چارچوب ضوابط قانونی انتخاب شده باشند و در زمان معرفی نامزد، در وضعیت نمایندگی باشند. این ۵۰۰ نفر باید حداقل از ۳۰ حوزه انتخابیه متفاوت و یا سرزمین های ماورای بحار باشند تا نامزد معرفی شده صلاحیت لازم را احراز کند.^{۱۱}

شورای قانون اساسی فرم های مشخص و معین را پیش از انتخابات به چاپ می رساند و از طریق مجاری رسمی و به تعداد کافی در اختیار افراد واجد صلاحیت برای معرفی نامزدهای ریاست جمهوری قرار می دهد. معرفی، فرم چاپی که مفاد آن حاکی از اعلام رضایت مندی کامل او برای معرفی یک نامزد است را تکمیل کرده و شخصاً آنرا امضا می کند.

در برخی از موارد امضا معرفی باید توسط مرجعی که در آن معرفی، عنوان نمایندگی دارد تایید شود.^{۱۲}

هر معرفی فقط حق معرفی یک نامزد را دارد. نام و سمت معرفی باید در برگه معرفی قید شود. معرفی باید برگه معرفی نامه خود را حداکثر ۱۵ روز پیش از چاپ فرمان فراخوان رای دهندگان برای شرکت در انتخابات، با پست سفارشی همراه با رسید به دبیرخانه شورای قانون اساسی ارسال کند.^{۱۳} شورای قانون اساسی بررسی لازم را در زمینه صلاحیت معرفی ها در امر معرفی یک نامزد، صحت صدور معرفی نامه، رضایت مندی کامل معرفی ها به عمل می آورد.

نامزد ریاست جمهوری به محض حصول یقین از کسب حداقل پانصد امضا با واریز ده هزار فرانک (امروزه معادل آن به یورو) به حساب خزانه داری کل با ارسال یک نامه به ضمیمه فیش پرداخت به شورای قانون اساسی، اعلامیه نامزدی خود را صادر می کند.^{۱۴}

^{۱۱}- Lavroff . Dimitri . Georges "Le système politique français" . Dalloz . 1997 . Paris P.374

^{۱۲}- Art . 3 et 4 . Décret No 2001- 213 du 8 mars 2001.

^{۱۳}- Ibid.

شورای قانون اساسی پس از حصول یقین از ضابطه مند بودن معرفی نامه ها و اعلامیه نامزدی، فهرست نامزدها را به تصویب می رساند. این فهرست باید حداکثر در شانزدهمین روز پیش از دور اول رای گیری در روزنامه رسمی به چاپ رسد.^{۱۵}

در نظام انتخاباتی فرانسه شورای قانون اساسی به عنوان یک مرجع دولتی رأساً در تشخیص صلاحیت نامزدها مداخله نمی کند و ملاک تشخیص صلاحیت نیز مبتنی بر متغیرهای کمی است. با فرض اینکه انتخابات در واقع فرصتی است به ملت برای ارزیابی و ابراز نظر نسبت به گروه حاکم قبلی و تعیین گروه حاکم در دوره جدید، حتی الامکان سعی می شود از مداخله عوامل مستقیم و غیر مستقیم گروه حاکم قبلی برای تاثیر گذاری در رای و نظر ملت جلوگیری شود. بر این پایه، شورای قانون اساسی که مرجع دولتی برخاسته از گروه حاکم در انتخابات قبلی است، امکان مداخله در تشخیص صلاحیت نامزدها را ندارد.

البته ترکیب اعضای شورای قانون اساسی به نحوی است که سعی شده تعادل لازم میان قوه مقننه و مجریه برقرار باشد. اعضای شورا دو دسته هستند دسته اول اعضای منصوب می باشند که ۹ نفرند و برای ۹ سال منصوب می شوند. رئیس جمهور، رئیس مجلس ملی و رئیس سنا هریک سه نفر را به اختیار خود برای عضویت در این شورا منصوب می کنند. هر سه سال یکبار یک سوم این اعضا جایگزین می شوند. دسته دوم روسای جمهور سابق فرانسه هستند که هنوز در قید حیاتند.

الگوی شرایط احراز صلاحیت در نظام انتخاباتی فرانسه نیز دارای اشکالاتی است. اعطای اختیار کامل برای تایید صلاحیت یک نامزد به یک جمع پانصد نفره که خود نیز برگزیدگان انتخابات قبلی هستند این امکان را ایجاد می کند که احزاب و یا افراد متنفذ مالی و یا سیاسی به راحتی بتوانند با تکیه بر ابزار و روش های حزبی، نظر مثبت پانصد نفر از مجموع ۷۵ هزار نفر واجدان صلاحیت برای معرفی نامزدها را جلب کنند و فردی که فاقد صلاحیت های اخلاقی و یا مدیریتی است معرفی شود. البته محققان فرانسوی معتقدند که براساس اصل حاکمیت ملت، موضوع تشخیص صلاحیت ها نیز به خود ملت واگذار شده است که ملت از مجرای یک دمکراسی غیر مستقیم به این امر می پردازد.

¹⁴- Lavroff . Dimitri Georges. "Le systeme politique..." Op.cit. P. 375 .

¹⁵- Art . 7 . Décret No . 2001 - 213 du 8 mars 2001 .

نتیجه گیری:

در موضوع شرایط انتخاب کنندگان به نظر می رسد نظام انتخاباتی ایران تمایل به افزایش جمعیت شرکت کننده در انتخابات داشته است و احتمالاً این امر را از عوامل ثبات و پایداری نظام دانسته است، لذا با پیش بینی ۱۵ سال شمسی به عنوان حداقل سن لازم، و پیش بینی حق رای برای کلیه اتباع ملی بجز محجوران از باب جنون، رقم واجدان صلاحیت برای رای دادن را بالا برده است. در این نظام، حتی کلیه محکومان به جرایم کیفری از حق مشارکت سیاسی محروم نمی شوند که چنین امری حاکی از توجه خاص این نظام به اهمیت مشارکت شهروندان و رقم شرکت کنندگان است.

در نظام حقوقی فرانسه، بجای متغیر تعداد شرکت کنندگان، کیفیت مشارکت افراد بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر سعی شده فردی که از حداقل صلاحیت های لازم برای مشارکت در تعیین آینده سیاسی کشور برخوردار است، به مشارکت فراخوانده شود، در نتیجه ضمن تاکید بر سن ۱۸ سال شمسی، محکومان به پاره ای از تخلفات حقوقی و کیفری کم و بیش سنگین، از حق رای محروم شده اند.

در ارتباط با شرایط انتخاب شوندگان، حساسیت فوق العاده نظام انتخاباتی ایران برای ویژگی های فردی نامزدهای ریاست جمهوری قابل تقدیر است هرچند که در روش حصول قطعیت از ویژگی های مذکور پرسش هایی قابل طرح است.

در نظام انتخاباتی فرانسه، قضاوت تشخیص صلاحیت نامزدی به تعدادی از متخبران مستقیم مردم واگذار شده است که چنین رویه ای، امکان حضور نامزدهای فاقد توانمندی های لازم را در رقابت انتخاباتی به وجود می آورد.

Une étude comparative sur les conditions des électeurs et celles des candidats dans l'élections présidentielle en Iran et France

Majid Bozorgmehr . Maitre de Conférence . Université Internationale de l'Imam Khomeini

L'étude comparative sur les systèmes électoraux nous permet de mieux connaître les points forts et faibles des reglements du Droit Constitutionnel en general et de les améliorer .

Etant donnée qu'il y a des éléments considérables de différence dans les systèmes électoraux des deux pays ; l'Iran et la France, nous avons décidé d'étudier d'une manière comparative les conditions d'éligibilité concernant les électeurs et les candidats dans les reglements du Droit Constitutionnel des deux pays .

Premièrement , nous élaborons les conditions des électeurs et nous concluons que la quantité et le nombre des électeurs est important dans le système iranien tandis que ce soit la capacité et l'éligibilité morale et sociale des électeurs qui se considère essentiel dans le système français.

A propos des conditions d'éligibilité pour la candidature , le système iranien essaye de prévoir une grande quantité des qualifications personnelles et morales auprès des candidats , alors que le système français envisage plustot des qualifications plus concretes.